

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقہ ۲

سطح ۲

درس ۱۴

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای حججی

مقدمه

رکوع، حالت تواضع عبد در پیشگاه مقدس مولاست و از بهترین حالات عبادی بنده در بارگاه قدس حضرت اوست.

رکوع، جلب کننده توجه خداوند به بنده عابد و راهی از راه‌های نجات انسان از عذاب فرداست، چرا که رکوع نمایانگر این معناست که عبد از آلودگی به کبر و منیت و خودخواهی و خودپرستی پاک است.

رکوع، اظهار ذلت ذلیل به طور عملی، در برابر حضرت عزیز است، عزیزی که با کمال کرامت جبران کننده ذلت عبد و عزت دهنده بنده صالح است.

رکوع، معالج کبر، شکننده کمر شیطان، راهی به سوی ملکوت و نوری برای جان و آرامشی برای اضطراب خاطر است

بحث ما در کتاب صلوات به بررسی احکام اجزاء واجب نماز رسید، نیت، تکبیر، قیام و قرائت از مباحثی بودند که در جلسات قبل به بررسی احکام و مستندات آن پرداخته شد.

«رکوع» یکی دیگر از اجزاء واجب نماز می‌باشد که از «ارکان نماز» نیز به شمار می‌رود، در این جلسه به بررسی احکام و مستندات آن خواهیم پرداخت.

و جوب رکوع در هر رکعت نماز، بطلان نماز به زیادی یا نقصان عمدی و سهوی آن و اعتبار قصد خضوع در هنگام رکوع از مهم‌ترین احکامی است که در باب «رکوع» مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

در پایان بحث نیز به احکام یکی دیگر از اجزاء واجب نماز یعنی «سجود» اشاره خواهیم داشت و مستندات احکام آن را در جلسه بعد ارائه خواهیم کرد.

متن عربي

الركوع

و هو واجب في كل ركعة مرةً عدا صلاة الآيات. كما انه ركن تبطل الصلاة بزيادته و نقيصته عمداً و سهواً عدا صلاة الجماعة، فان الزيادة فيها للمتابعة عند رفع الرأس من الركوع سهواً معفو عنها. و يلزم فيه الانحناء بقصد الخضوع - و لو ارتكازاً- قدر ما تصل أطراف الأصابع إلى الركبتين. و المستند في ذلك:

- ١- اما أصل وجوب الركوع في الصلاة، فهو من ضروريات الدين. و تدل عليه صحيحة الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام: «الصلاة ثلاثة أثلاث: ثلث طهور و ثلث ركوع و ثلث سجود» و غيرها.
- ٢- و اما انه مرةً في كل ركعة، فهو من ضروريات الدين أيضاً. و يمكن استفادته من الروايات البيانية لكيفية الصلاة و غيرها.
- ٣- و اما استثناء صلاة الآيات، فللروايات الكثيرة الواردة في بيان كيفيتها.
- ٤- و اما انه ركن تبطل الصلاة بزيادته العمدية و السهوية، فلقاعدة «لا تعاد» المستفادة من حديث زرارة عن أبي جعفر عليه السلام: «لا تعاد الصلاة إلّا من خمسة: الطهور، و الوقت، و القبلة، و الركوع، و السجود. ثم قال: القراءة سنّة و التشهد سنّة و لا تنقض السنّة الفريضة»، فإنّه باطلاقه يشمل الزيادة. و مجرد عدم امكان تصوّرها في بعض افراد المستثنى لا يمنع من انعقاد الاطلاق بلحاظ ما أمكن.
- ٥- و اما استثناء الجماعة، فلصحيحة علي بن يقطين: «سألت أبا الحسن عليه السلام عن الرجل يركع مع الامام يقتدى به ثم يرفع رأسه قبل الامام، قال: يعيد بركوعه معه» و غيرها.
- ٦- اما لزوم الانحناء بقصد الخضوع و لو ارتكازاً، فلتقوم مفهوم الركوع لغة بذلك.
- ٧- و اما التحديد بذلك، فلصحيحة زرارة عن أبي جعفر عليه السلام: «فان وصلت أطراف أصابعك في ركوعك إلى ركبتك أجزأك ذلك...».

السجود

تجب في كل ركعة سجدتان، و هما ركن تبطل الصلاة بنقصانهما أو زيادتهما العمدية و السهوية، و لا تبطل بزيادة أو نقص واحدة سهواً.

و يلزم في السجود أن يكون على الأرض أو ما أنبتته من غير المأكول أو الملبوس. و الأفضل أن يكون على التربة الحسينية على مشرفها آلاف التحية و السلام.

كما يلزم إضافة إلى وضع الجبهة على الأرض او ما بحكمها السجود على ستة أعضاء: الكفّين و الركبتين و ابهامي القدمين.

و لا يلزم في غير الجبهة مماسة ما يصح السجود عليه.

رکوع^۱

نمازگزار در هر رکعت بعد از قرائت باید به قصد خضوع به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد، این عمل را رکوع می‌گویند.

«رکوع» یکی از اجزاء واجب نماز می‌باشد که در ادامه احکام آن را عنوان می‌کنیم.

مسئله اول^۲

در هر نمازی رکوع واجب است.

مسئله دوم

در هر رکعت تنها یک رکوع واجب و لازم است.

مسئله سوم

این مسئله در واقع استثنائی است از حکمی که در مسئله دوم بیان شد به این معنی که «نماز آیات» از حکم وجوب یک رکوع در هر رکعت نماز، استثناء شده است.

نماز آیات دو رکعت است و هر رکعت آن پنج رکوع دارد و قبل از هر رکوع، سوره حمد و سوره دیگری از قرآن (مثل سوره توحید) خوانده می‌شود؛ البته می‌توان یک سوره را پنج قسمت کرده و قبل از هر رکوع یک قسمت از آن را خواند، که در این صورت، در دو رکعت دو حمد و دو سوره خوانده می‌شود.

۱. معنای رکوع

رکوع دارای سه معنی لغوی و اصطلاحی و مجازی است. معنای لغوی آن انحناى سر و خم شدن می‌باشد. معنای اصطلاحی رکوع از همان معنی انحناى سر و خم شدن گرفته شده است، با این تفاوت که یک عمل اصلی در نماز است و به همین خاطر باید با قصد قربت انجام شود. معنای مجازی آن ذلت و خضوع در مقابل یک فرد می‌باشد.

۲. فلسفه رکوع

رکوع آن است که پس از پایان سوره، به نیت تعظیم و فروتنی در برابر فرمان و عظمت پروردگار، تا حدی خم شویم که دست‌ها به زانوها برسد، کمر صاف باشد، گردن کشیده باشد. خم می‌شویم، یعنی کبریایی تو ما را به تعظیم و احترام دارد و در برابر بزرگی و بی‌همتایی تو، سرو قامتمان می‌شکند.

رکوع ادب عابد است و سجود قرب او. و کسانی به خدا نزدیک تر می‌شوند که در اظهار ادب کوتاهی نکرده باشند. امام صادق(ع): «وَفِي الرُّكُوعِ أَدَبٌ وَفِي السُّجُودِ قُرْبٌ وَمَنْ لَأَيْحُسِنُ الْأَدَبُ لَأَيُصْلِحُ لِلْقُرْبِ» بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۰۸
شخصی به محضر امیر مؤمنان(ع) عرض کرد: «اینکه گردن را در وقت رکوع می‌کشند، چه معنایی دارد؟» حضرت فرمودند: «تأویلش آن است که: «أَمَنْتُ بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَ لَوْ ضَرَبْتَ عُنُقِي؛ به وحدانیت تو ایمان آورده‌ام، اگر چه گردن مرا بزنی.» علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۹.

وقتی که نمازگزار به رکوع خم می‌گردد در حقیقت با عمل خود به ذلت و خواریش و با ذکر رکوع به عظمت و کبریائی خداوند اعتراف و اقرار می‌کند. و این بهترین نوع تواضع عبد در مقابل مقام کبریائی حق است. به همین خاطر که او خدا را به عظمت و بزرگی یاد کرد خدا نیز او را در نزد بندگان عزت و بزرگی می‌بخشد.

در روایتی از امام حسن عسکری(علیه السلام) آمده که فرمودند: «چون نمازگزار به رکوع رفت خداوند تبارک و تعالی خطاب به فرشتگان می‌فرماید: ای ملائکه من آیا نمی‌بینید بنده نمازگزار چگونه برای بزرگی و عظمت من تواضع می‌کند؟ شما را گواه می‌گیرم که هر آینه او را در دار کبریائی و جلال خودم بزرگ سازم» بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۱.

مسئله چهارم

بعضی از واجبات نماز رکن است، یعنی اگر انسان آنها را بجا نیاورد یا در نماز اضافه کند - عمداً باشد یا اشتباهاً - نماز باطل می‌شود، بنابراین کم یا زیاد کردن رکوع که یکی از ارکان پنج‌گانه نماز به شمار می‌رود، به صورت عمدی یا اشتباهی، باعث بطلان نماز خواهد شد.^۱

مسئله پنجم

اگر مأوم سهوا یا به گمان آن که امام سرش را بلند کرده است، سرش را از رکوع بردارد، واجب است، متابعت نموده و دوباره به رکوع برود؛ و در این صورت، زیاد شدن رکن ضرری نمی‌رساند. در واقع حکم بطلان نماز در صورت اضافه شدن رکوع، در نماز جماعت در صورت متابعت از امام جماعت به دلیل لزوم متابعت، استثناء شده است.

مسئله ششم

رکوع باید به قصد خضوع باشد، به این معنی که باید توجه داشته باشد که نماز و عبادتش از ابتدا تا انتها فقط به قصد خضوع و برای خدای متعال است. و این امری است که هر کس به صورت ارتکازی به آن توجه دارد و همین ارتکاز و توجه اجمالی در تحقق قصد خضوع کفایت می‌کند.

مسئله هفتم

نمازگزار در رکوع باید به اندازه ای خم شود که دست‌های او به سر زانوهایش برسد. البته لزوم یا عدم لزوم گذاشتن دست‌ها بر روی زانوها، مطلبی است که مصنف به آن اشاره نکرده است. در این مورد خیلی از فقهاء قائل به عدم لزوم گذاشتن دست‌ها بر روی زانوها شده‌اند و برخی نیز در این مطلب احتیاط کرده‌اند. «FG»

- | | | |
|--|---|------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱. وجوب رکوع در هر نماز. ۲. واجب بودن یک رکوع در هر رکعت نماز به استثناء نماز آیات. ۳. بطلان نماز با زیاد یا کم شدن رکوع به صورت عمدی یا سهوی. ۴. عدم بطلان نماز با رکوع اضافه در نماز جماعت، به جهت متابعت از امام. ۵. لزوم رسیدن سر انگشتان به زانوها در تحقق رکوع. ۶. لزوم قصد خضوع در هنگام رکوع. | } | احکام رکوع |
|--|---|------------|

۱. واجبات نماز ۱۱ چیز است: ۱. نیت؛ ۲. قیام؛ ۳. تکبیره الاحرام؛ ۴. رکوع؛ ۵. سجود؛ ۶. قرائت؛ ۷. تشهد؛ ۸. سلام؛ ۹. ذکر؛ ۱۰. ترتیب؛ ۱۱. موالات. و از میان این واجبات پنج مورد آن رکن است: ۱. نیت؛ ۲. تکبیره الاحرام؛ ۳. قیام موقع گفتن تکبیره الاحرام و قیام متصل به رکوع؛ یعنی ایستادن پیش از رکوع؛ ۴. رکوع؛ ۵. دو سجده. فرق بین رکن و غیر رکن این است که رکن اگر عمداً یا سهواً کم یا زیاد شد نماز باطل است و واجب غیر رکنی اگر عمداً کم یا زیاد شد نماز باطل است؛ ولی اگر سهواً کم یا زیاد شد نماز صحیح است. بنابراین اگر در نماز سهواً اشتباهی مرتکب شد در صورتی که خللی به رکن وارد شود نماز باطل است والا صحیح است. مثلاً اگر رکوع اضافه کرد یا دو سجده اضافه یا کم کرد یا تکبیره الاحرام را دو بار گفت نماز باطل است؛ ولی اگر در قرائت یا اذکار چیزی سهواً کم یا زیاد شد اشکالی ندارد.

تطبيق

الركوع و هو واجب في كل ركعة مرة عدا صلاة الآيات.

ركوع و آن در هر رکعت نماز یک مرتبه واجب است غیر از نماز آیات.

كما انه ركن تبطل الصلاة بزيادته و نقيصته عمدا و سهوا عدا صلاة الجماعة، فان الزيادة فيها للمتابعة عند رفع الرأس من الركوع سهواً معفو عنها.

همچنان که رکوع رکن است و نماز با زیاد و کم شدن آن باطل می‌شود، غیر از نماز جماعت که زیاد شدن رکوع در آن، هنگام بلند شدن از رکوع به صورت سهوی به دلیل متابعت از امام است، بخشیده شده است.

و يلزم فيه الانحاء بقصد الخضوع - و لو ارتكازاً- قدر ما تصل أطراف الأصابع إلى الركبتين.

و در رکوع لازم است خم شدن به قصد خضوع - هر چند به صورت ارتکازی - به اندازه‌ای باشد که نوک انگشتان به زانوها برسد. SCO ۱۰۵:۱۰

مستندات احکام رکوع

دلیل وجوب رکوع در همه نمازها

ضرورت دین^۱

مسأله وجوب رکوع در همه نمازها از ضروریات دین است و همه طوائف مسلمین به وجوب آن اعتراف دارند.

صحیح حلی

امام صادق علیه‌السلام: «نماز سه بخش می‌باشد یک سوم آن طهور و یک سوم دیگر رکوع و یک سوم دیگر سجود است».

از این روایت استفاده می‌شود «رکوع» یکی از اجزاء و پایه‌های سه‌گانه نماز به شمار می‌رود و وجود آن برای تحقق هر نمازی لازم می‌باشد.

دلیل وجوب یک رکوع در هر رکعت

ضرورت دین

وجوب یک رکوع در هر رکعت نماز نیز از ضروریات دین می‌باشد.

روایات بیائیه کیفیت نماز

۱. همانگونه که در مسائل عقلی دو نوع مسأله وجود دارد، بدیهی و نظری، در مسائل فقهی هم این دو گونه مسأله مطرح است. بدیهی به آن بخش از مسائل گفته می‌شود که مجرد توجه در شناخت آن کفایت می‌کند و نیازی به استدلال ندارد، در حالی که مسائل نظری درک و اثبات آن نیاز به استدلال و امعان نظر دارد. در مسائل فقهی و اعتقادی نیز همین دو وجه تحت عنوان «ضروری و غیر ضروری» جریان دارد، ضروری به آن بخش از مسائل و موضوعات اسلامی گفته می‌شود که اثبات آن احتیاج به نظر و استدلال نداشته باشد و هر مسلمانی بداند که جزء دین است.

مرحوم بجنوردی در تعریف ضروری دین می‌گوید: منظور از ضروری دین چیزی است که جزء دین بودنش نیازی به استدلال و دقت نداشته باشد و جزء دین بودنش را هر مسلمانی می‌داند مگر تازه مسلمانی که آگاهی و اطلاع به احکام و عقائد اسلامی نداشته یا در منطقه ای باشد که دور از شهرهای اسلامی است و با مسلمانان رفت و آمد و معاشرت هم ندارد. القواعد الفقهیه حسن بجنوردی ج ۵ ص ۳۱۲

در روایاتی که از چگونگی نماز خواندن حضرات معصومین علیهم السلام به دست ما رسیده است می‌توان واجب بودن یک رکوع در هر رکعت را استفاده کرد.^۱

۱. در این قسمت به عنوان نمونه به یکی از روایات بیانیه که از چگونگی نماز خواندن امام صادق علیه السلام حکایت می‌کند، اشاره می‌کنیم. در این روایت نکات تربیتی و تکان‌دهنده‌ای وجود دارد که جای بسی تأمل دارد. این روایت از جهات مختلفی نیز مورد توجه فقهاء و علماء واقع شده است و متضمن بسیاری از آداب نماز می‌باشد.

حماد می‌گوید: روزی حضرت ابو عبدالله جعفر بن محمد صادق علیه السلام به من فرمود که ای حماد آیا خوب می‌توانی نماز گذاری؟ پس گفتم ای سید و بزرگ من، کتاب حریر را که در بیان آداب نماز تصنیف کرده است در یاد دارم.

پس امام علیه السلام فرمود: بر تو قصوری و ننگی نیست ای حماد برخیز و نماز گذار تا ببینم که چون به آن قیام می‌نمایی.

حماد می‌گوید: در برابر آن حضرت علیه السلام رو به قبله ایستاده، و ابتدا کردم نماز را و تکبیره الاحرام گفتم و رکوع و سجود به جا آوردم.

پس چون حضرت امام علیه السلام ملاحظه نماز من نمود، فرمود ای حماد خوب نماز نمی‌گذاری چه بسیار زشت است مردی از شما که عمر او شصت سال یا هفتاد سال گذشته باشد و نماز را به صورت تمام و کمال با شرائط و حدودی که شارع تعیین کرده است به جای نیآورد.

حماد می‌گوید از این خطاب امام علیه السلام در من احساس خواری و شرمساری ایجاد شد، پس گفتم فدای تو کردم تعلیم کن به من نماز را تا بعد از این بر آن نحو به جا بیاورم.

پس امام علیه السلام برای تعلیم فرمودن نماز به من رو به قبله ایستاد در حالی که قامت خود را راست داشته بود، پس گذاشت هر دو دست خود را بر روی ران‌ها در حالی که انگشتان خود را به یکدیگر چسبانده بود، و میان دو قدم خود به قدر سه انگشت از هم گشوده بود، و انگشتان هر دو پای خود را چنان که به هیچ جانب انحرافی نداشت، برابر قبله کرده بود و امام به جهت افتتاح نماز از روی خشوع و فروتنی فرمود: الله اکبر

بعد از آن قرائت کرد سوره حمد را شمرده به ادای وقف‌ها و اخراج حرف‌ها از مخارج آنها، نه این که تند خواند و حرف‌ها را در هم شکند یا از غیر مخرج گوید. و به همین شکل سوره «قل هو الله احد» را قرائت کرد. و بعد از فراغ از قرائت حمد و سوره درنگ کرد زمانی اندک که گنجایش نفس زدنی داشته باشد، پس برداشت هر دو دست خود را تا برابر روی خود و گفت: الله اکبر در حالی که او ایستاده بود و هنوز شروع به خم شدن برای رفتن به رکوع نفرموده بود. و بعد از گفتن تکبیر به رکوع رفت و پر کرد هر دو کف دست‌های خود را از دو زانو در حالی که انگشتان دست‌ها را از هم گشاده داشته بود، و زانوها را به جانب عقب شکست تا آن که مستوی و برابر شد اجزای پشت او به حدی که اگر ریخته می‌شد بر آن قطره‌ای از آب یا روغن از جای خود نمی‌رفت و به هیچ جانب حرکت نمی‌کرد، و کشید گردن خود را و هر دو چشم خود را بر هم گذاشت.

و بعد از آن که درست قرار گرفت بر حال رکوع تسبیح و تنزیه حق تعالی کرد سه مرتبه شمرده فرمود: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»، و بعد از فراغ از ذکر رکوع راست شد ایستاده، پس چون در ایستادن قرار گرفت فرمود: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ. و بعد از آن تکبیر گفت در حالی که ایستاده بود و دو دست خود را در وقت تکبیر تا برابر روی خود برداشت. و بعد از آن به سجده رفت و دو کف دست خود را در حالی که چسبانده بود انگشتان را به هم بر روی زمین برابر زانوها مقابل روی خود پهن کرد. پس سه مرتبه فرمود: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ و همه اعضای خود را از یکدیگر جدا داشت نه شکم را به زانوها چسبانیده بود و نه پاشنه و ساق‌ها را به نشیمن‌ها و ران‌ها و نه دست‌ها را به پهلوها و سجده کرد بر هشت استخوان، یعنی چنان به سجده رفت که هشت عضو او بر زمین گذاشته شد، دو کف دست‌ها و دو آئینه زانوها و دو بند بالای انگشتان شست پاها و پیشانی و بینی. و بعد از آن برداشت سر خود را از سجده پس چون نشست گفت الله اکبر.

بعد از آن بر ران چپ نشست در حالی که پشت پای راست خود را بر شکم پای چپ خود گذاشته بود. و چون چنین نشست فرمود: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، و بعد از آن تکبیر گفت در حالی که نشسته بود و سپس سجده دوم را انجام داد.

و نگذاشت عضوی از بدن خود را بر عضو دیگر از آن در حال رکوع و سجود مگر کفین را که در وقت رکوع بر زانوها گذاشت و دست‌ها را در وقت رکوع و سجود مانند دو بال مرغ بال گشوده نگاه داشته بود، پس دو زیر بغل خود را گشوده و بازوها و ذراعین را هم از بدن خود و هم از زمین جدا داشت و ساعد خود را در وقت سجود بر زمین نگذاشت. و دو رکعت نماز را بر همین منوال گزارد و انگشتان هر دو دست آن حضرت به هم چسبیده بود در حالی که برای گفتن تشهد نشسته بود، پس چون فارغ شد از تشهد، ادای سلام نمود و فرمود که ای حماد بر این منوال که مشاهده نمودی نماز بگذار. - این روایت به صورت کامل در کتاب «وسائل الشيعة الباب ۱ من أبواب أفعال الصلاة، الحديث ۱». آمده است و در اینجا به بخش‌هایی از آن اشاره شد.

دلیل وجوب ۵ مرتبه رکوع در هر رکعت نماز آیات

علت وجوب ۵ مرتبه رکوع در هر رکعت نماز آیات، روایاتی است که در مقام بیان کیفیت این نماز وارد شده است در این روایات در جواب چگونگی نماز آیات بیان شده است: «عشر رکعات و اربع سجعات - یرکع خمساً ثم یسجد فی الخامسة - ثم یرکع خمساً ثم یسجد فی العاشرة»^۱ نماز آیات ۱۰ رکعت و ۴ سجده دارد، ۵ مرتبه رکوع انجام می‌دهی و بعد از رکوع پنجم به سجده می‌روی بعد از آن ۵ رکوع دیگر انجام می‌دهی و بعد از رکوع دهم به سجده می‌روی»

دلیل بطلان نماز در صورت کم و زیاد شدن رکوع

قاعده «لا تعاد»

قاعده «لا تعاد» از قواعد معروف فقهی، و مضمون آن این است که نماز تنها در صورت اخلاص به یکی از پنج چیز اعاده می‌شود: طهارت، وقت، قبله، رکوع و سجود. یکی از مستندات این قاعده صحیحۀ زراره می‌باشد. زرارة، عن أبی جعفر علیه السلام قال: «لا تعاد الصلاة إلا من خمسة: الطهور و الوقت و القبلة و الركوع و السجود»، ثم قال: «القراءة سنة، والتشهد سنة، فلا تنقض السنة الفريضة»^۲

زراره نقل می‌کند که امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «نماز اعاده نمی‌شود مگر به خاطر پنج چیز: طهارت و وقت و قبله و رکوع و سجده. سپس فرمودند: قرائت و تشهد، سنت هستند و سنت فريضة را نقض نمی‌کند»^۳. با توجه به «قاعده لاتعاد» که از روایات استفاده می‌شود اخلاص به هر یک از ارکان پنج‌گانه نماز «طهارت، وقت، قبله، رکوع و سجده» باعث بطلان نماز شده و باید نماز اعاده شود.

اشکال

اخلاصی که در طهارت، وقت و قبله قابل تصویر است این است که کسی بدون طهارت یا خارج وقت یا بر خلاف جهت قبله نماز بگذارد، که تمام این موارد به عدم وجود این ارکان در نماز بازگشت می‌کنند. لذا در رکوع و سجود نیز در صورتی حکم به بطلان نماز و وجوب اعاده، خواهد شد که مکلف آن‌ها را انجام ندهد. ولی در صورت زیاد کردن رکوع نمی‌توان بطلان و وجوب اعاده نماز را از قاعده «لاتعاد» استفاده نمود.

جواب

۱. وسائل الشیعة الباب ۷ من أبواب صلاة الكسوف والآيات، الحديث ۳.

۲. وسائل الشیعة الباب ۲۹ من أبواب القراءة فی الصلاة، الحديث ۵.

۳. توضیح قسمت پایانی حدیث این است که: رکوع و بقیۀ آن پنج واجب را خداوند مفروض کرده و بقیه اجزا را پیامبر قرار داده است و هر خللی به آنچه خداوند قرار داده وارد شود، نماز باطل است ولی اگر خللی به آنچه پیامبر قرار داده است وارد شود بر صحت آنچه تشریح الهی است، اثرگذار نیست.

حدیث «لا تعاد» اطلاق داشته و شامل هر گونه اخلال در ارکان نماز می‌شود یعنی هم در صورت زیادی و هم در صورت کم بودن هر یک از ارکان نماز حدیث «لاتعاد» با اطلاق خود دلالت بر بطلان و وجوب اعاده می‌کند. و عدم امکان تصویر زیاده در طهارت و وقت و قبله نیز مانع اطلاق آن در رکوع و سجود نخواهد شد.

نتیجه

هر گونه زیادی یا نقیصه در ارکان نماز مانند رکوع به صورت سهوی یا عمدی باعث بطلان نماز و وجوب اعاده، خواهد شد.

دلیل عدم بطلان نماز در صورت رکوع اضافه در نماز جماعت

صحیحۃ علی بن یقظین

علی بن یقظین: «سألت أبا الحسن عليه السلام عن الرجل يركع مع الإمام يقتدى به ثم يرفع رأسه قبل الإمام، قال: يعيد بركوعه معه»^۱

علی بن یقظین می‌گوید: «از امام کاظم علیه‌السلام سوال کردم از مردی که به امام اقتداء کرده است و با او به رکوع می‌رود، سرش را از رکوع برمی‌دارد قبل از این که امام از رکوع بلند شود، امام فرمود: رکوع را اعاده می‌کند و همراه امام می‌شود».

همان‌گونه که از روایت استفاده می‌شود اضافه سهوی رکوع در نماز جماعت به دلیل متابعت از امام جماعت باعث بطلان نماز نمی‌شود.

دلیل اعتبار خضوع در رکوع

اعتبار قصد خضوع در رکوع به دلیل این است که معنای لغوی «رکوع» متضمن «خضوع» می‌باشد.^۲

دلیل وجوب رسیدن سر انگشتان دست به زانوها در تحقق رکوع

صحیحۃ زراره

زرارة عن أبي جعفر عليه السلام: «فان وصلت أطراف أصابعك في ركوعك إلى ركبتيك أجزاءك ذلك...»^۳.
زراره از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: «اگر سر انگشتان تو در رکوع به زانوهات رسید، کفایت می‌کند»^۴. «FG»

۱. وسائل الشیعة الباب ۴۸ من أبواب صلاة الجماعة، الحدیث ۳.

۲. در بعض کتب لغوی مانند لسان العرب و تاج العروس کلمه «رکوع» به معنای «خضوع» گرفته شده است. «لسان العرب ج ۸ ص ۱۳۳، تاج العروس ج ۱۱ ص ۱۷۶».

۳. وسائل الشیعة الباب ۱ من أبواب أفعال الصلاة، الحدیث ۳.

۴. همان‌طور که در این روایت شریف آمده است رسیدن دستان به زانوها در تحقق رکوع کفایت می‌کند، اما این که حتماً باید دست‌ها در حال رکوع روی زانوها قرار بگیرد یا خیر، مسئله دیگری است که از این روایت اعتبار آن استفاده نمی‌شود. البته اکثراً مراجع قائل به عدم لزوم گذاشتن دست روی زانو در هنگام رکوع شده‌اند و بعضی نیز مانند آیت الله مکارم در این مسئله احتیاط کرده‌اند.

- ادله احكام ركوع
۱. وجوب ركوع در هر نماز: ضرورت دين و صحيحه حلبی.
 ۲. واجب بودن يك ركوع در هر ركعت نماز: ضرورت دين و روايات بيانیه کیفیت نماز
 ۳. استثناء نماز آیات: روايات وارده در بيان کیفیت نماز آیات.
 ۴. بطلان نماز با زياد يا كم شدن ركوع به صورت عمدی يا سهوی: قاعده لاتعداد.
 ۵. عدم بطلان نماز با ركوع اضافه در نماز جماعت، به جهت متابعت از امام: صحيحه علی بن يقطين.
 ۶. لزوم رسیدن سر انگشتان به زانوها در تحقق ركوع: صحيحه زراره.
 ۷. لزوم قصد خضوع در هنگام ركوع: قوام معنای لغوی ركوع به خضوع.

تطبيق

و المستند في ذلك:

مستند احكام ركوع

۱- اما أصل وجوب الركوع في الصلاة، فهو من ضروريات الدين.

۱- اما اصل وجوب ركوع در نماز از ضروريات دين می باشد.

و تدل عليه صحيحه الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام: «الصلاة ثلاثة أثلاث: ثلث طهور و ثلث ركوع و ثلث سجود»^۱ و غيرها.

و دلالت می کند بر آن صحيحه حلبی از امام صادق عليه السلام: «نماز سه بخش می باشد يك سوم آن طهور و يك سوم دیگر ركوع و يك سوم دیگر سجود است».

۲- و اما انه مرة في كل ركعة، فهو من ضروريات الدين أيضا. و يمكن استفادته من الروايات البينانية لكيفية الصلاة^۲ و غيرها.

۲- و اما اين كه ركوع در هر ركعت يك مرتبه واجب است نیز از ضروريات دين است و می توان حكم آن را از رواياتی كه برای بيان کیفیت نماز وارد شده است استفاده كرد. و غير اين روايات.

۳- و اما استثناء صلاة الآيات، فللروايات الكثيرة الواردة في بيان کیفیتها.^۳

۳- و اما استثناء نماز آیات به دليل روايات زيادی است كه در بيان کیفیت آن وارد شده است.

۴- و اما انه ركن تبطل الصلاة بزيادته العمدية و السهوية،

۴- و اما اين كه ركوع ركن است و نماز با زياد شدن عمدی يا سهوی آن باطل می شود؛

فلقاعدة «لا تعاد» المستفادة من حديث زرارة عن أبي جعفر عليه السلام: «لا تعاد الصلاة إلا من خمسة: الطهور، و الوقت، و القبلة، و الركوع، و السجود. ثم قال: القراءة سنة و التشهد سنة و لا تنقض السنة الفريضة»^۴،

۱. وسائل الشيعة الباب ۹ من أبواب الركوع، الحديث ۱.

۲. وسائل الشيعة الباب ۱ من أبواب أفعال الصلاة، الحديث ۱ - ۱۰.

۳. وسائل الشيعة الباب ۷ من أبواب صلاة الكسوف و الآيات.

۴. وسائل الشيعة الباب ۲۹ من أبواب القراءة في الصلاة، الحديث ۵.

به دلیل قاعده «لاتعاد» است که از حدیث زراره از امام باقر علیه السلام استفاده می‌شود: «نماز اعاده نمی‌شود مگر به خاطر پنج چیز: طهارت و وقت و قبله و رکوع و سجده. سپس فرمودند: قرائت و تشهد، سنت هستند و سنت فریضه را نقض نمی‌کند».

فإنّه باطلاقه يشمل الزیادة. و مجرد عدم امکان تصوّرها فی بعض افراد المستثنی لا یمنع من انعقاد الاطلاق بلحاظ ما أمکن.

پس این حدیث با اطلاق خود شامل عمل اضافه می‌شود و مجرد عدم امکان تصویر زیادی در بعض افراد مستثنی، مانع انعقاد اطلاق در مواردی که امکان زیاد کردن وجود دارد، نمی‌شود.

۵- و اما استثناء الجماعة، فلصحیحة علی بن یقطين: «سألت أبا الحسن علیه السّلام عن الرجل یرکع مع الامام یقتدی به ثم یرفع رأسه قبل الامام، قال: یعید برکوعه معه»^۱ و غیرها.

۵- و اما استثناء نماز جماعت به دلیل صحیحة علی بن یقطين است که نقل می‌کند: «از امام کاظم علیه السلام سوال کردم از مردی که به امام اقتداء کرده است و با او به رکوع می‌رود، سرش را از رکوع برمی‌دارد قبل از این که امام از رکوع بلند شود، امام فرمود: رکوع را اعاده می‌کند و همراه امام می‌شود». و غیر این صحیحه.

۶- اما لزوم الانحناء بقصد الخضوع و لو ارتکازاً، فلتقوم مفهوم الركوع لغة بذلک.

۶- و اما لزوم خم شدن در رکوع به قصد خضوع هر چند به صورت ارتکازی، به دلیل این است که قوام معنای لغوی رکوع، خضوع می‌باشد.

۷- و اما التحدید بذلک، فلصحیحة زرارة عن أبي جعفر علیه السّلام: «فان وصلت أطراف أصابعک فی رکوعک إلی رکبتیک أجزاک ذلک...»^۲.

۷- و اما تعیین رکوع به آن چه که بیان شد به دلیل صحیحة زراره از امام باقر علیه السلام است که فرمود: «اگر سر انگشتان تو در رکوع به زانوهایت رسید، کفایت می‌کند». SCO۲۰: ۰۳

سجده^۳

یکی دیگر از اجزاء واجب نماز «سجده»^۴ می‌باشد که در ادامه به احکام آن اشاره خواهیم داشت.

مسأله اول

۱. وسائل الشیعة الباب ۴۸ من أبواب صلاة الجماعة، الحدیث ۳.

۲. وسائل الشیعة الباب ۱ من أبواب أفعال الصلاة، الحدیث ۳.

۳. سجده در لغت، نهادن پیشانی بر روی زمین است؛ «لسان العرب، جلد ۳، صفحه ۲۰۴». در اصطلاح قرآنی به معنای تذلل و تواضع در برابر خدا، برای عبادت می‌باشد «المفردات فی غریب القرآن، صفحه ۲۲۹» پس سجده در حقیقت کمال خضوع است به گونه‌ای که اثری از منیت باقی نماند؛ و خضوع به معنای تواضع توأم با تسلیم، دارای مراتبی است که کاملترین آن برای غیر خداوند جایز نیست. «التحقیق فی کلمات القرآن، جلد ۵، صفحه ۵۱».

۴. در حدیثی از امیرالمؤمنین (ع) علت دو سجده چنین بیان شده است که تاویل سجده اول آن است که خدایا ما را از خاک خلق کردی (اشاره به آیه «منها خلقناکم») و تاویل سجده دوم این است که دوباره ما را به خاک بر می‌گردانی (اشاره به دنباله آیه «و فیها نعیدکم»). و معنی سر برداشتن از سجده دوم این است که در روز حشر دوباره ما را از خاک بیرون خواهی کشید «و منها نخرجکم تاره اخرى» علل الشرایع، ج ۲

در هر رکعت دو سجده واجب است.

مسأله دوم و سوم و چهارم

دو سجده با هم، یک رکن است که اگر کسی در نماز واجب عمداً یا از روی فراموشی هر دو را ترک کند، یا دو سجده دیگر به آنها اضافه نماید، نمازش باطل است.

مسأله پنجم و ششم

در صورتی که نمازگزار به صورت سهوی «یک سجده» به نماز اضافه یا کم کند نماز او باطل نیست.

مسأله هفتم

سجده بر زمین و چیزهای غیر خوراکی که از زمین می‌روید مانند چوب و برگ درخت صحیح است، و سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی صحیح نیست.

مسأله هشتم

برای سجده، بهتر از هر چیز تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام می‌باشد.^۱

مسأله نهم

نمازگزار باید در سجده پیشانی، و کف دو دست و سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها را به زمین بگذارد.

مسأله دهم

غیر از پیشانی بقیه مواضع سجود لازم نیست حتماً بر چیزی قرار بگیرند که سجده بر آنها جائز است.^۲ «FG»

۱. علامه امینی رحمه الله در سرّ سجود به تربت کربلا می‌فرماید: برخی از بقاع بر بعضی دیگر برتری دارد، لذا آثار و برکاتی بر آن مترتب است؛ به همین دلیل کعبه و حرم حکم خاصی به خود گرفته است. از جمله سرزمین‌هایی که بر سایر بقاع برتری پیدا کرده و دارای آثار و برکاتی خاص است محلی است که بدن شریف سیدالشهدا علیه السلام را در خود جای داده است. همان بقعه‌ای که امام علی علیه السلام قبل از شهادت امام حسین علیه السلام قبضه‌ای از خاک آن را برداشت و استشمام کرد و چنان گریست که زمین از اشک‌های حضرتش مرطوب گشت. آیا سجده بر چنین تربتی مطلوبیت و قداست ندارد و سبب تقرّب به خداوند متعال نمی‌گردد؟ آیا سزاوار نیست که انسان بر تربتی سجده کند که در آن نشانه‌های توحید و عشق بازی در راه معبود است؟ تربتی که در صورت توجه خاص به حقیقت آن، حالت رقت قلب در انسان ایجاد شده و انسان را به سوی خداوند نزدیک می‌کند...» «السجود علی التربة الحسينية عند الشيعة الامامية، ص ۸۷-۶۹».

استاد عباس محمود عقاد - نویسنده مصری - در مورد سرزمین کربلا می‌نویسد: «سرزمین کربلا حرمی است که مسلمانان برای عبرت و یاد آوری به زیارت آن می‌آیند و غیر مسلمین برای مشاهده و بازدید، ولی اگر بنا باشد که حق این سرزمین ادا شود باید آن را زیارت گاه هر انسانی قرار داد که برای نوع خود نصیبی از قداست و بهره‌ای از فضیلت قائل است، زیرا ما به یاد نداریم که قطعه‌ای از زمین به مانند کربلا این چنین دارای فضیلت و متبعت باشد. این نیست مگر به جهت آن که این سرزمین با اسم کربلا و منزلگاه حسین علیه السلام مقرون و عجین شده است.» «ابوالشهدا، ص ۱۴۵».

۲. یعنی در سجده، پیشانی نمازگزار حتماً باید بر روی زمین یا چیزهایی که سجده بر آن جائز است قرار بگیرد، اما کف دو دست را می‌توان بر روی فرش قرار داد، و نیز سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پا لازم نیست حتماً بر روی زمین یا خاک قرار بگیرد و قرار گرفتن آنها روی لباس نیز صحیح می‌باشد.

- احکام سجود
۱. وجوب دو سجده در هر رکعت.
 ۲. بطلان نماز در صورت ترک هر دو سجده عمدتاً یا سهواً.
 ۳. بطلان نماز در صورت اضافه کردن دو سجده عمدتاً یا سهواً.
 ۴. عدم بطلان نماز در صورت اضافه کردن یک سجده سهواً.
 ۵. عدم بطلان نماز در صورت کم کردن یک سجده سهواً.
 ۶. لزوم سجده بر زمین و آنچه از زمین می‌روید غیر از خوراکی‌ها و پوشاکی‌ها.
 ۷. قرار دادن کف دو دست، سر دو زانو و انگشتان بزرگ هر دو پا روی زمین در حال سجده.
 ۸. افضلیت تربت سیدالشهداء برای سجده.
 ۹. عدم لزوم قرار دادن مواضع سجود غیر از پیشانی بر زمین.

تطبيق

السجود

سجود

تجب فی کل رکعة سجدتان.

در هر رکعت دو سجده واجب است.

و هما رکن تبطل الصلاة بنقصانهما أو زیادتهما العمدية و السهوية.

و دو سجده رکن هستند که نماز با کم یا زیاد شدن هر دو سجده به صورت عمدی یا سهوی باطل خواهد شد.

و لا تبطل بزيادة أو نقص واحدة سهواً.

و نماز با کم یا زیاد شدن یک سجده به صورت سهوی باطل نخواهد شد.

و يلزم فی السجود أن يكون على الأرض أو ما أنبتته من غير المأكول أو الملبوس.

و در سجود لازم است بر زمین و چیزهای غیر خوراکی و پوشاکی که از زمین می‌روید، سجده شود.

و الأفضل أن يكون على التربة الحسينية على مشرفها آلاف التحية و السلام.

و بهتر این است که بر تربت امام حسین علیه و علی مشرفها آلاف التحية و السلام سجده شود.

كما يلزم إضافة إلى وضع الجبهة على الأرض او ما بحكمها السجود على ستة أعضاء: الكفّين و الركبتين و ابهامي

القدمين.

هم‌چنان که لازم است همراه قرار دادن پیشانی بر روی زمین یا مانند آن برای سجده شش عضو دیگر اضافه شود:

كف دو دست و سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها

و لا يلزم فی غير الجبهة مماسة ما يصح السجود عليه.

و در غیر پیشانی قرار دادن اعضاء بر چیزی که سجده بر آن صحیح می‌باشد، لازم نیست. ۲۶:۰۸ SCO۳

چکیده

۱. یکی دیگر از واجبات نماز که در هر رکعت باید انجام شود «رکوع» می‌باشد، از این حکم نماز آیات استثناء شده است و در هر رکعت آن پنج رکوع واجب می‌باشد.
۲. «رکوع» یکی از ارکان پنج‌گانه نماز می‌باشد که کم یا زیاد شدن آن عمداً یا سهواً باعث بطلان نماز می‌باشد. مگر در نماز جماعت که مأموم اشتهاً قبل امام از رکوع بلند می‌شود و به تبعیت از امام دوباره به رکوع می‌رود.
۳. در رکوع، نمازگزار باید قصد خضوع داشته باشد و به قدری خم شود که سر انگشتانش به زانوهایش برسد.
۴. اصل وجوب رکوع از ضروریات دین می‌باشد و صحیحۀ حلّی نیز بر واجب بودن آن دلالت دارد.
۵. وجوب یک رکوع در هر رکعت نماز نیز از ضروریات دین بوده و روایات بیانیه کیفیت نماز نیز بر آن دلالت می‌کند.
۶. وجوب پنج رکوع در هر رکعت نماز «آیات» به دلیل روایاتی است که در بیان کیفیت این نماز وارد شده است.
۷. رکن بودن رکوع و باطل شدن نماز به واسطه کم یا زیاد شدن سهوی یا عمدی آن به دلیل قاعده «لاتعداد» می‌باشد که مضمون این قاعده از صحیحۀ زراره استفاده می‌شود.
۸. اطلاق صحیحۀ زراره شامل بطلان نماز در صورت اضافه شدن رکوع نیز می‌شود و عدم امکان تصویر زیادی در طهارت، وقت و قبله مانع از انعقاد اطلاق روایت در رکوع و سجده نمی‌باشد.
۹. عدم بطلان نماز در صورت اضافه شدن رکوع در نماز جماعت به جهت تبعیت از امام، به دلیل صحیحۀ علی بن یقظین است.
۱۰. اعتبار خضوع در رکوع به دلیل تقوّم معنای لغوی رکوع به خضوع می‌باشد.
۱۱. دلیل این که خم شدن در رکوع باید به حلّی باشد که دست‌ها به زانوها برسد، صحیحۀ زراره می‌باشد.
۱۲. یکی دیگر از واجبات رکنی نماز دو سجده در هر رکعت می‌باشد.
۱۳. اگر نمازگزار عمداً یا سهواً دو سجده اضافه کند یا آن را انجام ندهد، نمازش محکوم به بطلان خواهد بود.
۱۴. اگر نمازگزار سهواً یک سجده را کم یا زیاد کند نمازش باطل نیست.
۱۵. سجده باید بر روی زمین یا غیر خوارکی و پوشاکی از چیزهایی که از زمین می‌روید انجام شود و بهترین چیز برای سجده تربت ابا عبدالله الحسین علیه السلام می‌باشد.
۱۶. در سجده باید پیشانی به همراه کف دو دست، سر دو زانو و انگشت بزرگ هر دو پا بر روی زمین قرار بگیرد.
۱۷. غیر از پیشانی، بقیه مواضع سجود لازم نیست حتماً بر چیزی قرار بگیرند که سجده بر آن‌ها جائز است.